

# انقلاب دیگری در راه است

جیمز وولزی، وال استریت جورنال:



جیمز وولزی

از تروریسم حمایت می‌کند. برای اروپاییها عذر موجه می‌تراشد تا به معامله با ایران تشویق شوند.

دوره دوم ریاست جمهوری خاتمی سه سال دیگر به پایان می‌رسد. آخوندهای حاکم باید در یکی دو سال آینده در مورد انتخاب رئیس جمهوری آتی کشور تصمیم بگیرند. آنها سعی خواهند کرد شخص دیگری را در افکار عمومی جا بیندازند که چهره‌ای اصلاح طلب داشته باشد. اما مسأله رژیم این است که دانشجویان و اصلاح طلبان واقعی قطعاً چنین کسی را نمی‌پذیرند. لذا ملاها چاره‌ای جز افزودن میزان فشار و اختناق بر مردم نخواهند داشت.

راه چاره دیگر آنها عمل کردن به توصیه‌های آیت الله منتظری و آیت‌الله طاهری، یعنی پرهیز از پیوند مسجد و دولت و بیرون راندن ملاها از کارهای اجرایی و بازپس فرستادن آنها به سر جای اولشان است. به هر روی، برای آنکه در این فرایند کشتار و خونریزی نشود، باید امیدوار باشیم که ملاهای دست‌اندرکار حکومت محترمانه کنار بکشند. اما اگر آنها همچنان به دنبال فریب، ریا و اعمال فشار و ترور باشند، با فاجعه‌ای روبرو

اروپایی فکر می‌کنند محمدخاتمی رئیس جمهوری ایران به دنبال اصلاحات و حرکتهای اصلاحی است. رسانه‌های طرفدار خاتمی عقیده داشتند که ممکن است خاتمی همان مشاوران تبلیغاتی را به خدمت گرفته که در سالهای آغازین ۱۹۸۰ یوری آندروپوف رئیس سازمان کا.گ.ب شوروی سابق به کار گرفته بود. در آن ایام می‌گفتند آندروپوف تصمیم دارد در سیستم اجتماعی و سیاسی کشورش دست به اصلاحات بزند چون او ویسکی می‌نوشتید و به موسیقی جاز گوش می‌داد. گفته می‌شود خاتمی در مورد جفرسون بنیانگذار آمریکای نوین نظر مثبت دارد. البته ممکن است چنین باشد اما متأسفانه رفتار خاتمی نشان می‌دهد که به جای عمل به توصیه‌های جفرسون بنیانگذار دموکراسی آمریکا به «کاتون مِتر\_\*» گوش داده است. خاتمی نشان داده که در بهترین حالت یک عروسک خیمه‌شب‌بازی در دست آخوندهای حاکم و در بدترین حالت شریک بد طینت در بازی موش و گربه بین آخوندهای خوب و بد حکومت است. خاتمی با ایفای این نقش و به‌رغم آنکه ایران سلاحهای کشتار جمعی تولید و

یکی از معدود شخصیهایی که بخوبی می‌داند در ایران چه می‌گذرد، جرج بوش رئیس جمهوری آمریکا است. کاخ سفید روز ۱۲ ژوئیه بیانیه مناسبی در ارتباط با حوادث و مسایل ایران

**ملاها در حال از دست دادن تسلط خود بر ایران هستند. نشانه‌های وخامت اوضاع رژیم تنها تظاهرات دانشجویان علیه آن نیست، اعتراضات کارگری و اقتصادی که در حال فروپاشی است، از علایم دیگر تزلزل و بهم ریختگی این حکومت است. همزمان، ایدئولوژی رژیم مذهبی ایران دچار آشفتگی شده و این روندی است که باید آن را دنبال کرد**

منتشر کرد. رژیم جمهوری اسلامی در واکنش به این بیانیه، شعاردهندگان حرفه‌ای و عوامل اجاره‌ای را به خیابانها فرستاد و عجولانه با لحنی عصبانی در مقام پاسخگویی برآمد و این نشان داد که جرج بوش انگشت روی نقطه حساس رهبران رژیم تهران گذاشته بود. برخلاف جرج بوش، به نظر می‌رسد بیشتر رسانه‌های آمریکا و اهل سیاست در آن کشور و عملاً تمام رهبران

جهان نیز این اندرز را آویزه گوش کردند. آیت الله خمینی در سال ۱۹۷۹ با برپایی حکومت مذهبی در ایران، زندگی وحشتناک و غیر طبیعی را به مردم ایران تحمیل کرد.

نامأنوسی و غریبه بودن حکومت مذهبی برای ایرانیها باعث شدت عمل از سوی ملاها و گسترش اختناق و سانسور شده است. یک درس مهم تاریخ از انقلابها این است که اقتصاد ورشکسته توأم با سرکوب و خشونت بیرحمانه، به شورش مردم در زیر سرکوب و ناراضی سرعت می‌بخشد و چنین شرایطی که معمولا پیش از انقلابها خود را نشان می‌دهد در ایران فعلی وجود دارد.

نمی‌دهند، این روزها قادر به گسیل پلیس یا حتی پاسداران برای روبرویی با تظاهرکنندگان و معترضین به رژیم نیستند و مجبور شده‌اند برای سرکوب مردم، مزدوران سوری و فلسطینی را به کار گیرند.

مأموران انتظامی و امنیتی و پاسداران که می‌دانند رژیم نفسهای آخر را می‌کشد از درگیر شدن با مردم خودداری می‌کنند. آنها همان احساسی را دارند که نیروهای امنیتی لهستان در سال ۱۹۸۰ هنگام تظاهرات همبستگی کارگران داشتند. ایرانیها اعتقاد خود را به ملاهای حاکم و حکومت مذهبی از دست داده‌اند و این اصلاً جای تعجب ندارد.

اتحاد مسجد و دولت در ایران امروز وضع بهتری از اتحاد کلیسا و دولت در اروپا ندارد. از جمله پیامدهای آمیختگی افراط‌گرایی و تعصب کور مذهبی با قدرت دولتی در غرب، رواج تفتیش عقاید در اروپا و جنگ و خونریزی ۳۰ساله در اسپانیا بود. این تجربه خونبار موجب پیدایش این باور در ذهن لاک و جفرسون و دیگران شد که معتقد بودند در جامعه‌ای که بر صلح و صفا استوار است، دین باید از دولت برکنار باشد. در آن زمان بسیاری از کشورهای دیگر

علیه آن نیست، اعتراضات کارگری و اقتصادی که در حال فروپاشی است، از علایم دیگر تزلزل و بهم ریختگی این حکومت است. همزمان، ایدئولوژی رژیم مذهبی ایران دچار آشفتگی شده و این روندی است که باید آن را دنبال کرد.

رژیم شیعی ایران اکنون در شرایطی بسر می‌برد که حکومت کمونیست اتحاد جماهیر شوروی در اوایل سالهای ۱۹۸۰ بسر می‌برد و اگرچه این رژیم هنوز در قدرت است اما همگان می‌دانند که دچار تصلب و ناکارایی است.

آیت‌الله جلال‌الدین طاهری امام جمعه قدیمی اصفهان اوایل ماه ژوئیه ضمن استعفا از سمت خود، آخوندهای حزب‌الله در سال ۱۹۸۳ به فرارگاه تفنگداران آمریکایی و سفارت آن کشور در بیروت حمله برد. حکومت مذهبیون در ایران فاجعه‌ای مصیبت بار برای قربانیان تروریسم این رژیم و مردم ایران بوده است.

دنیای خارج کم‌کم دارد متوجه می‌شود آنچه را که «مایکل لدین» اندیشمند محافظه‌کار ماهها در باره‌اش صحبت می‌کرد، در حال وقوع است و ملاها در حال از دست دادن تسلط خود بر ایران هستند. نشانه‌های وخامت اوضاع رژیم تنها تظاهرات دانشجویان

خواهند شد. آنها ممکن است همه چیز حتی جان خود را نیز از دست بدهند. اگر ما به آنچه که پرزیدنت بوش بدرستی آن را صداقت در اخلاق و عمل می‌خواند، معتقد باشیم، می‌توانیم به ایران کمک کنیم تا در جهت دگرگون ساختن تمام خاورمیانه نقش مؤثری به عهده بگیرد. اگر حکومت مذهبی در ایران ساقط شود، همانطور که در افغانستان از بین رفت، باقیمانده این حکومتها، یعنی تروریستهای اسلامی و وهابیه‌های عربستان سعودی به شدت تضعیف خواهند شد. و این بسیار مهم است که مردم ایران بدانند آمریکا در مبارزه آنها علیه حکومت دینی در کنارشان ایستاده است.

\* او یکی از بدنام‌ترین روحانیان آمریکای بود.